

۱- طبیب و وظیفه شناس

در عهد یکی از خلفای عباسی پزشکی بود که خلیفه به حذاقت او اعتماد کامل داشت، لیکن بیمناک بود که مبادا او را با پادشاهان دیگر رابطه باشد و بتحریک آنها در پی هلاک او بر آید. برای اینکه از چنین اندیشه ای فارغ شود خواست او را امتحان کند.

روزی وی را بخلوت خواند و گفت مرا دشمنی است که نمی خواهم آشکارا بقتلش برسانم. داروئی کُشنده بساز و بیاور تا باو بخورانم. طبیب گفت این از من بر نمی آید. روزی که من شغل طبابت را برگزیدم تصور نمی کردم جز دوی سودمند از من به خواهند. برین جهت دواهای مضر نیاموخته ام. اگر خلیفه جز آن خواهد اجازه دهد که بروم و بیاموزم. خلیفه گفت این بطول می انجامد. خلاصه هر قدر خلیفه اصرار کرد از طبیب همان پاسخ نخستین شنید. ناچار بحبس او فرمان داد.

طیب يك سال در زندان ماند و در آن مدت به مطالعه کتب، خود را مشغول میداشت و از حبس شکایت نمی کرد. پس از يك سال خلیفه گفت او را حاضر ساختند و مال بسیار با شمشیر مقابل او نهادند. آنگاه گفت آنچه از تو خواسته ام امری است که صلاح مملکت در آنست و مرا از آن چاره نیست. اگر فرمان مرا اطاعت کنی این مال و چندین برابر از آن تو خواهد بود و گرنه می فرمایم با این تیغ گردنت را بزنند. طبیب بر آنچه نخست پاسخ داده بود کلمه ای نیفزود. خلیفه گفت ترا خواهم کشت. گفت بآنچه خدا خواسته باشد راضیم.

خلیفه در این تبسم کرد و باو گفت دل خوش دار که آنچه تاکنون کرده ام برای آزمائش تو بود. من از کید پادشاهان بیمناکم و می خواستم بر تو اعتماد داشته باشم و از دانش تو با خاطری آسوده بهره مند شوم. طبیب خلیفه را سپاس گفت. خلیفه گفت اکنون بگوی چه چیز ترا بر آن داشت که از خشم و تهدید من نترسیدی و فرمان مرا اطاعت نکردی؟ طبیب گفت: دو چیز، یکی دین من که حکم می کند بادشمنان نکوئی کنم تاچه رسد بدوستان. و دیگر صنعت من که برای نفع مردم و حفظ جان آنها بوجود آمده است. و ما طبیبان را قانونی ست که چون به خواهیم بکسی اجازه معالجه امراض دهیم نخست از او پیمان می گیریم که صنعت خود را در آزار مردم بکار نبرد و داروی کُشنده نسازد و بکس نیاموزد. و من نتوانستم بر خلاف دین و پیمان خود رفتار کنم. خلیفه چون این بشنید او را بناخت و محل اعتماد خود قرار داد.

Skill	مہارت، ہوشیاری	حذاقت
Openly	ظاہری طور پر	آشکارا
Length of time, lately	دیر سے، تاخیر سے	بطول
Goodness	مصلحت	صلاح
Betrayal, treason	مکر، چال	کید
Beneficiary	فائدہ حاصل کرنے والا	بھرہ مند
Threat, warning	دھمکی	تہدید
Art, craft	فن، ہنر	صنعت
Trustworthy	بھروسے کے قابل	محَلّ اعتماد

پرسش / Exercise

- ۱۔ خلیفہ کے خوف میں مبتلا ہونے کا سبب تحریر کیجیے۔
Write the reason of Caliph's anxiety.
- ۲۔ خلیفہ نے طبیب سے جو تقاضا کیا ہے، اسے لکھیے۔
Write the demand of Caliph from the doctor.
- ۳۔ طبیب نے بادشاہ کو جو جواب دیا، وہ لکھیے۔
Write the answer given by the doctor to the Caliph.
- ۴۔ طبیب کو جیل میں ڈالنے کا سبب لکھیے۔
Write the reason behind the imprisonment of the doctor.
- ۵۔ اس سبق سے ہمیں جو پیغام ملتا ہے، اسے تحریر کیجیے۔
Write the message taught by this story.

